



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۶۶	تاریخ	۱۴۰۳/۱۰/۲۶
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل سوم: استدلال به سیره				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

فرارسیدن ایام مبارک و خجسته، عید میلاد امیرالمومنین علیه السلام عید میلاد امام جواد علیه السلام و سایر اعیاد پیش رو، به ویژه سالروز مبعث نبی اکرم صلی الله علیه و آله و تمام ایام ماه رجب که ماه عبادت و بندگی، را تبریک و تهنیت عرض می نماییم و از خداوند متعال خواستاریم تا در این ماه، توفیق عبادت و عمل به دستورات الهی را به همه ما عنایت فرماید و این ماه را برای همه مؤمنین و مسلمین، ماهی مبارک و پرخیر و برکت و پیروزی جبهه اسلام، سربلندی مسلمین، و سرافرازی ملت ایران، و سلامتی مقام معظم رهبری و تمامی خدمتگزاران به اسلام قرار دهد.

مرور درس گذشته

در ادامه، بحث خود را پیرامون سیره عقلاییه، به عنوان یکی از ادله اثبات حجیت خبر واحد، پی می گیریم. پیش از این، به آیات، روایات، و اجماع، به منظور اثبات این مسئله، استناد شده است و اکنون، در پی استدلال به سیره هستیم. بیان شد که پیش از ورود به اصل مبحث، لازم است به چند مطلب مقدماتی پردازیم. در مقدمه سوم گفته شد که باید انواع مختلف سیره را تصور کنیم و مشخص نماییم که کدام نوع از سیره، در بحث حاضر، قابلیت استناد دارد. گفتیم از انواع سیره، دو سیره قابلیت استناد در این بحث را دارند:

۱. سیره ای که بین موالی و عبید جاری است: بدین معنا که اگر خبری، امری از مولا را به عبد ابلاغ کند، نزد عقلا، این خبر حجت تلقی می شود. همچنین، اگر خبر واحدی، رفع تکلیفی را برای عبد بیان نماید، این خبر، حجیت بین عبد و مولا محسوب می گردد.

۲. سیره عقلاییه مبنی بر عمل به خبر واحد در جلب منفعت و دفع ضرر.

پس از این تقسیم بندی، با توجه به مقدمات سه گانه ای که پیش از این بیان شد، به بیان مقدمات چهارم و پنجم، به عنوان مقدمه ای برای ورود به بحث استدلال به سیره می پردازیم.

مقدمه چهارم

در مباحث سیره عقلایی، همواره این نکته را مورد توجه قرار داده ایم که گاهی، سیره معصوم نیز در میان سیره عقلا، برای ما ثابت می شود؛ به این معنا که معلوم می گردد سیره عقلا که برای انجام کاری جاری است، سیره شارع و سیره امام معصوم نیز به همان شکل بوده است؛ یعنی خود سیره معصوم نیز برای ما ثابت می شود. در این حالت، اگر سیره عقلا در باب حجیت خبر واحد قائم شود و پس از آن، برای ما ثابت گردد که امام معصوم نیز به همین سیره عمل می نموده و خبر واحد را حجت می دانسته است، در اینجا، حجیت سیره، دیگر از باب سیره عقلایی نیست؛ بلکه از باب عمل معصوم است؛ زیرا عمل معصوم به خودی خود، دارای حجیت است.

در اینجا باید توجه داشت که این نوع سیره، در حقیقت، به سیره معصوم برگشت دارد و اگر بخواهیم به چنین سیره ای استناد کنیم، در چنین جایی، اصلاً سیره عقلایی موضوعیت ندارد و استدلال، استدلال به سیره معصوم خواهد بود؛ زیرا خود سیره معصوم، حجت است. برای مثال، اگر برای ما معلوم شود به هر دلیلی - که ائمه معصومین علیهم السلام نیز در زمان خود، به سیره عقلایی عمل می نمودند و بر اساس خبر واحد، ترتیب اثر می دادند و سیره شان مبنی بر حجیت خبر واحد بوده است؛ اگرچه علم آور نباشد؛ در این صورت، استناد ما به سیره معصوم خواهد بود؛ نه سیره عقلا.

در صورتی که سیره، عقلاییه باشد، اما احراز نشود که سیره امام معصوم نیز بر همین سیره استوار است و هدف صرفاً کشف موافقت یا رضایت معصوم از طریق سیره عقلاییه باشد، در چنین موردی، نیازمند آن هستیم که سکوت معصوم در برابر سیره، ظهور در تأیید و رضایت معصوم به آن سیره عقلاییه داشته باشد.

در جای خود، به تفصیل توضیح داده ایم که همان گونه که ما ظهور قولی و فعلی وجود دارد، ظهور سکوتی نیز وجود دارد؛ یعنی خود سکوت در برابر یک عمل، در عرف عقلا، ظهور در پذیرش آن عمل دارد.

بنابراین، در سیره ای که هدف از آن، صرفاً کشف موافقت معصوم از طریق سیره عقلاییه است، سیره باید به گونه ای باشد که سکوت معصوم در برابر آن، ظهور در رضایت معصوم به آنچه سیره بر آن استوار است، داشته باشد.

بر این اساس، اگر در بحث سیره عقلاییه برای اثبات حجیت خبر واحد، کسی بخواهد به این سیره استدلال کند و بگوید که این سیره، مورد تأیید و امضای معصوم قرار گرفته است، باید به این معنا باشد که سکوت معصوم در برابر این سیره، ظهور در تأیید و رضایت به آن داشته باشد.

مقدمه پنجم

سیره ای می تواند دلیل بر امضای شارع باشد که سیره معاصر معصوم باشد؛ یعنی در زمان حضور معصوم وجود داشته باشد.

این نکته، در محل خود، به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است که مطلق سیره عقلایی، کاشف از حکم شارع نیست؛ بلکه سیر مستحدثه فاقد اعتبار است. به این معنا که اگر سیره عقلاییه ای پس از زمان حضور معصومین علیهم السلام ایجاد شده باشد، ارزشی ندارد.

دلیل این امر هم همان نکته ای است که در مقدمه چهارم بیان شد مبنی بر اینکه سیره باید به گونه ای باشد که سکوت معصوم در برابر آن، ظهور در تأیید داشته باشد؛ به همین جهت اگر سکوتی وجود داشته باشد که احتمال تقیه در آن وجود

داشته باشد، یا مانع دیگری غیر از تقیه وجود داشته باشد که مانع از بیان معصوم می شده است، این سیره، دیگر قابل استناد نیست. بنابراین، مقصود از اینکه در مقدمه چهارم گفته شد که سیره ای قابل استناد است که سکوت معصوم در برابر آن، ظهور در تأیید داشته باشد، بدین معناست که طوری نباشد که ما احتمال تقیه در آن بدهیم، یا مانع دیگری غیر از تقیه وجود داشته باشد که مانع از بیان حکم توسط معصوم می شده است. سیره باید طوری باشد که سکوت معصوم در برابر آن، ظهور در تأیید سیره عقلاییه داشته باشد.

به همین دلیل اگر سیره، مربوط به زمان عدم حضور ائمه اطهار باشد یعنی سیره مستحدثه باشد، سکوت معصوم، ظهور در تأیید ندارد؛ زیرا معصوم حضور ندارد تا سکوت کند. هنگامی که به هر دلیلی که خداوند متعال مصلحت دانسته است که معصوم غایب باشد، دیگر معصوم در شرایطی نیست که سکوتش، دلالت بر تأیید سیره عقلاییه جاریه داشته باشد. بنابراین، به سیره ای می توان استناد کرد که احراز شود که آن سیره، در زمان حضور معصوم وجود داشته باشد. با در نظر داشتن این پنج مقدمه، می توان به بحث پیرامون این مسئله پرداخت که آیا می توان به سیره عقلاییه تمسک کرد و به واسطه آن، حجیت خبر واحد را اثبات نمود یا خیر. این بحث را به جلسه آینده موکول می کنیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین